
در قلمرو اندیشه
امام موسی صدر

۳

رهیافت‌های اقتصادی اسلام

به اهتمام و ترجمه مهدی فرخیان

مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر
IMAM MOUSSA'S CULTURAL & RESEARCH INSTITUTE

تهران، زمستان ۱۳۸۶

سرشناسه: صدر، موسی، ۱۳۰۷ -
عنوان و نام پدیدآور: رهیافت‌های اقتصادی اسلام / (موسی صدر)؛ به کوشش
مهدی فرخیان
مشخصات نشر: تهران: امام موسی صدر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری: شش + ۲۲۲ ص: جدول.
فروست: در قلمرو اندیشه امام موسی صدر: ۳
شابک: ۹-۵-۹۶۱۶۶-۹۶۴
وضعیت فهرست‌نویسی: قیبا
یادداشت: نمایه.
یادداشت: کتابنامه: به صورت زیرنویس
موضوع: صدر، موسی، ۱۳۰۷ - -- نظریه درباره اقتصاد.
موضوع: اسلام و اقتصاد.
شناسه افزوده: فرخیان، مهدی، ۱۳۵۸ - ، گردآورنده و مترجم
شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۶ / ۹ / ۲ / ص ۸۷ / ۲ / DS
رده‌بندی دیوبند: ۹۵۶ / ۹۲ / ۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۸۶۹۴۹

این اثر با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر

IMAM MOUSSA SADR CULTURAL & RESEARCH INSTITUTE

تهران، خیابان دکتر شریعتی، اول میرداماد، قبل از میدان مادر،
ضلع شمالی، پلاک ۲۵، طبقه دوم تلفن: ۸-۲۲۹۰۳۰۰۷

www.imamsadr.ir

در قلمرو اندیشه امام موسی صدر - ۳

رهیافت‌های اقتصادی اسلام

به کوشش مهدی فرخیان

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۶

چاپ: زیتون

صحافی: حکیم

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹-۵-۹۶۱۶۶-۹۶۴

همه حقوق محفوظ است.

بها: ۲۲۰۰۰ ریال

فهرست

۱	پیشگفتار
۵	مقدمه

فصل اول

۲۷	کار تعیین‌کننده ارزش
۳۷	افزایش ثروت
۴۳	توزیع ثروت
۵۱	ارزش اضافی
۵۷	تجارت و ارزش اضافی
۶۳	اصول و روش اسلام در توزیع ثروت
۷۵	سهم کار و سرمایه و ابزار تولید در اسلام

فصل دوم

۸۵	ویژگی‌های حقوق مالکیت در اسلام
۹۳	مالکیت در اسلام ۱
۱۰۱	مالکیت در اسلام ۲
۱۰۹	مالکیت در اسلام ۳
۱۱۹	کار و کارگر

۱۳۵	نهادهای تولید
۱۳۹	تفکیک‌ناپذیری احکام اقتصادی اسلامی
۱۶۱	نظریه ارزش
۱۷۳	دین و کارگر
فصل سوم		
۱۸۱	اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی
۱۹۹	اسلام و عدالت اجتماعی و اقتصادی
۲۱۹	نمایه

پیشگفتار

کتابی که پیش روی شماست، دفتر سوم از مجموعه «در قلمرو اندیشه امام موسی صدر» است. عنوان این دفتر رهیافت‌های اقتصادی اسلام و در بردارنده مجموعه مقالات و گفتارهای اقتصادی امام موسی صدر است.

دو دفتر پیشین، نای و نی و ادیان در خدمت انسان، مجموعه متنوعی از گفتارهای امام موسی صدر در موضوعات متفاوت بود. در این دو دفتر به مسائلی همچون دینداری در دنیای معاصر، انسان، عبادت و مقاومت پرداخته شده بود. مطالب متنوع این دو کتاب، دست کم این حسن را داشت که خواننده از زوایای گوناگون با ابعاد اندیشه و شخصیت امام موسی صدر آشنا شود و هم بتواند منظومه فکری او را فهم کند.

امام موسی صدر، افزون بر تحصیلات حوزوی تا درجه اجتهاد، فارغ‌التحصیل رشته «حقوق در اقتصاد» از دانشگاه تهران است. او گرچه هیچ‌گاه خود را متخصص علم اقتصاد نمی‌دانست، اما آگاهی وی از نظریه‌های اقتصادی رایج، که از تحصیل در دانشگاه فراهم آورده بود، و شناخت ژرف او از احکام اسلامی، باعث شد که میان نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و مارکسیسم و آموزه‌های اسلام مقایسه‌ای صورت دهد و در

این میان رهیافت‌های اقتصادی اسلام را روشن سازد. او خود در این باره می‌گوید:

من کارشناس اقتصادی نیستم. مدرک دانشگاهی من در رشته اقتصاد است و فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق در رشته حقوق در اقتصاد هستم، اما با همین اندازه تحصیلات، یعنی لیسانس، می‌توانم مسائل کلی اقتصاد را دریابم، و درباره جزئیات مسئله ادعایی ندارم. ما برای تبیین ایدئولوژی به اصول کلی اقتصاد نیاز داریم.

از نگاه امام موسی صدر، ما در اسلام علم اقتصاد نداریم، اما این سخن بدین معنا نیست که اسلام را با مسائل اقتصادی کاری نیست، بلکه به عکس، با نگاهی به همه ابواب فقه می‌توان رهیافت اقتصادی اسلام و جهت‌گیری اقتصادی آن را دریافت. در واقع، او روشی میانه را برای دریافت احکام اقتصادی اسلام در پیش گرفت؛ دوروش دیگر نگاه‌هایی افراطی و تفریطی به احکام اسلامی است، که یکی بر آن است که ما همه علوم را در اسلام داریم و دیگری می‌گوید علوم جدید و احکام اسلامی متعلق به دو دنیای کاملاً متمایز سنت و تجدّد هستند، و این یکی هیچ راهی به دیگری ندارد. در واقع باید گفت که امام موسی صدر، با نگرش جامع خود، نه راه افراط پیموده و نه راه تفریط، بلکه پیوندی میان سنت و مدرنیته برقرار ساخته است، و با توجه به اصول اسلامی، پاسخ‌هایی به مسائل جدید جامعه می‌دهد. او خود می‌گوید:

بی‌شک، همه می‌دانیم که علم اقتصاد از علوم جدید به شمار می‌رود. اما آدمی می‌تواند از احکام گوناگون اسلام، مکتبی اقتصادی کشف کند. به بیان دیگر، با نگاه به مکاتب اقتصادی جدید، دژ می‌یابیم که اسلام راه روشنی در اقتصاد در پیش گرفته و همه احکام اقتصادی اسلام در این روش و مکتب جای می‌گیرد.

کتاب حاضر در سه فصل فراهم آمده است: فصل نخست مجموعه مقالات فارسی امام موسی صدر است که به قلم خود او در مجله مکتب اسلام به چاپ رسیده است، مجله‌ای که او همراه با جمعی از دیگر حوزویان تأسیس کرده بود و در نوع خود حرکتی بدیع در تاریخ حوزه‌های علمیه به شمار می‌آید. این مقالات در شماره‌های نخستین مجله در سال ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ به چاپ رسیده است. گفتنی است که این مقالات، همراه با مقدمه و توضیحاتی از مرحوم، حجت‌الاسلام والمسلمین علی حجتی کرمانی، بارها و بارها به چاپ رسیده بود.

فصل دوم کتاب، گفتارهای اقتصادی امام موسی صدر در لبنان است. بخش عمده این فصل درس‌گفتارهای وی برای اعضای ارشد جنبش امل است. امام موسی صدر در این درس‌گفتارها بر آن بود تا کادرهای جنبش امل را با روح احکام اسلامی آشنا کند. از این رو بخشی از این درس‌ها را به مباحث اقتصادی اختصاص داد. تاریخ تقریبی این گفتارها سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ (۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷) است. اما مقاله «دین و کارگر» متن سخنرانی امام موسی صدر در کلیسای «الایقونة العجائبية» به مناسبت روز جهانی کارگر است.

فصل سوم کتاب نیز دو مقاله جامعه‌شناختی - اقتصادی است، که در یکی مسئله اختلاف طبقاتی و راه حل اسلام برای آن و در دیگری مبحث عدالت اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

مسئله دیگری که باید بدان اشاره کرد، ارزش تاریخی این مباحث است. امروزه حوزه‌ها طلاب بسیاری را تربیت کرده است که با علوم جدید از جمله اقتصاد آشنایند. اما در آن روزگار حضور در دانشگاه و پرداختن به مسائلی همچون اقتصاد در میان حوزویان رایج نبود. این مباحث با گذشت حدود نیم قرن، هنوز نکات بدیع، خواندنی و آموختنی بسیار دارد، که هم متخصصان

علوم اقتصادی و اسلامی و هم قاطبه علاقه‌مندان به شناخت ژرف‌تر احکام اسلامی می‌توانند از آنها بهره‌مند شوند.

لازم به ذکر است که همه توضیحات پاورقی‌ها و استخراج منابع از اینجانب است. و در پایان از جناب آقای دکتر سید کاظم صدر که همه مقالات کتاب را از نظر گذارند و برای تصحیح اصطلاحات و ترجمه رهنمودهایی سودمند دادند، صمیمانه سپاسگزارم.

مهدی فرخیان

پاییز ۱۳۸۶

مقدمه

به قلم دکتر سید کاظم صدر

چکیده

این نوشتار، تلاشی است برای شناختن، استنباط و ارایه آرا و دیدگاه‌های امام موسی صدر درباره اقتصاد در دوران اقامت وی در ایران و لبنان، با استفاده از مقالات منتشر شده، سخنرانی‌های ایراد شده، اقدام‌های صورت گرفته و بالأخره مؤسسات و سایر آثار و یادگارهای باقی مانده از ایشان.

این منابع، در مجموع نشان می‌دهند که امام موسی صدر دین اسلام را آیین زندگی تلقی می‌کند، به گونه‌ای که این دین به همه جوانب حیات بشر نظر و برای آن برنامه دارد. از جمله مکتب اقتصادی اسلام برای از میان برداشتن فقر و تحقق عدالت راه و روشی دارد که متفاوت از مکاتب سرمایه‌داری و سوسیالیستی است.

اگر صاحبان عوامل تولید را، برای سهولت، به دو گروه کارگران و سرمایه‌داران تقسیم کنیم، امام صدر نشان می‌دهد که حقوق و امتیازاتی که مکتب اسلام هنگام بستن قراردادهای استخدام کارگران با بنگاه‌ها وضع کرده، موجب فزونی امتیازات و حقوقی نیروی کار بر صاحبان سرمایه می‌شود. با استمرار و ادامه فعالیت‌های اقتصادی و بستن مکرر این قراردادها، امتیازات

حقوقی نیروی کار هنگام توزیع مجدد درآمد مزیتی نسبی برای ایشان فراهم می‌آورد. شهید محمدباقر صدر نیز، همین امتیاز را هنگام «توزیع قبل از تولید و توزیع بعد از تولید» برای نیروی کار قائل هستند. به علاوه، برنامه زکات که در اسلام پیش‌بینی شده، به تعبیر امام موسی صدر، یک برنامه مالیاتی برای تأمین مخارج فعالیت‌ها و مدیریت دولت نیست، بلکه روشی است برای ایجاد توازن درآمد در جامعه تا جایی که برای همه افراد رفاه نسبی تأمین شود.

علاوه بر این نظریه، به نظر می‌رسد که امام موسی صدر برای توسعه اقتصادی مسلمانان راهی مستقل و متفاوت از مکاتب سرمایه‌داری و سوسیالیستی پیشنهاد می‌کنند، که بر هدایت و پرورش استعداد‌های انسانی و افزایش انبساط آن در اقتصاد شورمبته‌نی است. انباشت و تراکم سرمایه انسانی در مکتب اسلام، موجب رشد اقتصادی و اشتغال منابع بشری و محافظت از محیط زیست می‌شود، و مآلاً رفاه و سعادت کل جامعه را تأمین می‌کند. این راه توسعه اقتصادی در سیره مبارک پیامبر اسلام برای پیشبرد اقتصاد مسلمانان نیز مشاهده می‌شود.

مقدمه

حوزه علمیه قم از بدو تأسیس شاهد تحولات سیاسی و اجتماعی عظیمی در عرصه کشور و منطقه بوده است. برخی از این تحولات، چون کشف حجاب و حمله مسلحانه به مسجد گوهرشاد در دوران حکومت رضا خان پهلوی، برای موجودیت حوزه و دینداری مردم تهدیدی مستقیم بود، و برخی دیگر مانند بروز جنگ جهانی دوم، سقوط رضاشاه و ورود متفقین به ایران، امنیت کل کشور را به خطر انداخت. چندی از روی کار آمدن محمد رضا پهلوی نگذشت که نهضت ملی شدن نفت آغاز و کشور با تحول سیاسی درونی و دخالت آشکار بیرونی مواجه شد. این تغییر و تحولات همچنان

ادامه داشت، تا قیام ۱۵ خرداد برپا شد و سپس، با گسترش و همه گیر شدن مبارزات مردم به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجامید.

طبیعی است که مؤسس حوزه علمیه قم، مرحوم آیت الله العظمی عبدالکریم حائری، و وصی ایشان، مرحوم آیت الله العظمی سید صدرالدین صدر، و سایر مراجع، مستقیم یا غیر مستقیم، تحت تأثیر پدیده های یاد شده قرار داشتند و رسالت حساس دینی خود را ایفا می کردند. بالطبع، سایر علما، مدرسان و طلاب حوزه علمیه قم نیز در معرض این تحولات قرار می گرفتند و در برابر آنها مواضعی پیدا می کردند.

علاوه بر تحولات سیاسی یاد شده، حرکت های فکری و آرمانی چندی از غرب و شرق وارد ایران شد، که حکومت پهلوی پیرو و مجری حرکت نخست و حزب توده و گروه های دیگر خواستار به قدرت رسیدن مکتب کمونیسم بودند. این مرام ها و تفکرات نیز اندیشمندان و علمای حوزه را متأثر می کرد و برای تبیین و روشنگری دین اسلام و جلوگیری از گمراهی مردم، فعالیت های فکری، تربیتی، و تبلیغی می کردند.

در این حوزه علمیه، سید موسی صدر به تحصیل علوم دینی پرداخت و مدارج علمی سطح و خارج را طی کرد، تا به مرحله اجتهاد رسید. در همین دوران ایشان و شهید بهشتی تصمیم می گیرند که وارد دانشگاه شوند و تحصیلات دانشگاهی را نیز تجربه کنند. ایشان نخستین طلاب حوزه علمیه بودند که وارد دانشگاه شدند، با این تفاوت که امام موسی در رشته اقتصاد تحصیل کرد و شهید بهشتی رشته الهیات را انتخاب کرد. پس از تحصیل در رشته اقتصاد و همچنین دروس خارج قم، امام موسی و جمعی از همفکران او در صدد انتشار مجله ای بر می آیند، که دیدگاه حوزه و با دست کم چیزی را عرضه کنند که ایشان از مکتب اسلام شناخته و دریافت کرده اند. چنان که گفته

شد، تحولات سیاسی و فکری‌ای که در قرن اخیر کشور را دچار تنش‌ها و نهضت‌های زیادی کرده و موجب مطرح شدن مکاتب سرمایه‌داری و سوسیالیستی شده بود، نیاز مبرمی را برای ارائه دیدگاه‌ها و مواضع مکتب اسلام پدید آورده بود. مجله مکتب اسلام با این هدف به معرفی دیدگاه‌های دین اسلام درباره این تحولات سیاسی و فکری پرداخت.

سلسله مقالاتی که امام موسی صدر در این مجله نوشت، به معرفی اقتصاد در مکتب اسلام اختصاص داشت. چند گاهی که از انتشار مجله مکتب اسلام گذشت، مجله مکتب تشیع نیز بیرون آمد. در این مجله، که برای محتوای آن از اصحاب فکر حوزه علمیه قم تقاضای مشارکت شده بود، امام موسی باز به اقتصاد اسلامی و شیوه رفع اختلاف طبقاتی از دیدگاه اسلامی پرداخت. در سال‌های نخست هجرت به لبنان آموزش‌های دینی و احیای سنت‌های مذهبی مدنظر و اهتمام قرار می‌گیرد. ولی به مجرد اینکه امکاناتی فراهم می‌شود، رهبر شیعیان لبنان مدرسه فنی و حرفه‌ای جبل عامل را تأسیس می‌کند، تا جوانان شیعه ضمن آموزش دینی، حرفه‌های مهندسی، کشاورزی، هنری و فنون مختلف را بیاموزند. سال‌ها بعد، که امام موسی مجلس اعلای شیعیان را در لبنان تأسیس کرد، خود نیز به مباحث اقتصاد اسلامی در آنجا پرداخت.

دیدگاه‌های امام موسی صدر

تحولاتی که در ایران رخ داد و خطرهایی که برای حوزه علمیه قم پیش آمد، هر صاحب‌نظری را در حوزه به چاره‌اندیشی وامی‌داشت. در زمینه‌های حقوقی و فلسفی، حوزه علمیه پیوسته پیشگام و صاحب‌موضع بود و صاحب‌نظران چندی به تحلیل مسائل مربوطه می‌پرداختند. در سیاست نیز حکما با عرضه حکمت عملی و سیاست‌مدان اندیشه‌هایی را مطرح کرده

بودند. آنچه تدوین و تبیینش بسیار مورد نیاز بود، به‌ویژه پس از انتشار افکار اشتراکی، مواضع اقتصادی اسلام بود. بی‌سبب نیست که امام صدر به شرکت در دانشگاه و تحصیل در رشته اقتصاد مصمم شد. این قراین نشان می‌دهد که وی دین اسلام را آیین زندگی برای بشر می‌داند، که قادر است پیوسته انسان را راهنمایی و مشکلاتش را حل کند و او را به طریق صواب پیش براند. اسلام از نظر او، رابطه انسان و پروردگار و جهان را نشان می‌دهد و نقش و رسالت انسان را در حیات دنیوی و سرانجام او را در حیات اخروی آشکار می‌کند. به علاوه، راه و رسم زندگی را در این جهان، از طریق نظریه و مواضع خود به انسان نشان می‌دهد. ازجمله، مکتب اقتصادی اسلام چگونگی فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی و رسیدن به عدالت اقتصادی را رهنمود می‌سازد.

پس، از نظر امام صدر، اسلام دین عبادی صرف نیست، بلکه فرهنگ، آیین و رسالتی برای زندگی است. این مذهب، برای تمام ابعاد زندگی انسان برنامه و دستورالعمل دارد و نظام اسلامی هنگامی استوار می‌شود که همه ابعاد فکری و اجتماعی آن در همه ابعاد زندگی انسان حاکم گردد. در عین حال، اگر چنین شرایطی پیش نیاید «هر بخشی از نظام اسلام که اجرا شود، آثار خود را به ارمغان خواهد آورد، گرچه این آثار آن‌گاه کامل خواهد شد که بقیه بخش‌های نظام اسلامی نیز پدید آیند.» به علاوه، مکتب اقتصادی اسلام، مکتبی است که از جهان‌بینی اسلام سرچشمه می‌گیرد و راه‌حلی که برای شکوفایی زندگی اقتصادی بشر ارائه می‌کند، مستقل و متفاوت از مکاتب مادی و ادیان دیگر است. به نظر می‌رسد که امام صدر، دست‌کم از هنگامی که به تحصیل علم اقتصاد در دانشگاه پرداخت، در پی کشف و تدوین و عرضه این مکتب بوده و هرگاه در ایران و لبنان فرصت مقتضی یافته، به معرفی آن پرداخته است.

توزیع درآمد میان صاحبان نهاده‌های تولید :

در هر اقتصادی چند سؤال مهم مطرح است: نخست اینکه، تولیدکنندگان چه محصولاتی تولید کنند که مورد نیاز مصرف‌کنندگان باشد و رفاه ایشان تأمین شود. دوم اینکه، چگونه محصولات تولیدشده میان مصرف‌کنندگان توزیع گردد، تا در مجموع، نیاز همه آنان برآورده شود. سوم اینکه، بنگاه‌ها عوامل تولید را چگونه برگزینند و چقدر از هر کدام به کار برند تا بتوانند کالاهای مورد نیاز جامعه را تأمین کنند. در نظام سرمایه‌داری خالص، و نه مختلط، این مهم را دستگاه بازار به‌تنهایی عهده‌دار است و در نظام سوسیالیستی خالص، دولت با نظام برنامه‌ریزی به تأمین نیازهای جامعه می‌پردازد. اقتصاددانان، نشان داده‌اند که هر دو نظام در شرایط مفروض خود می‌توانند به اهداف خویش برسند. لیکن در عمل، هر دو نظام با ناکامی‌های فراوانی روبه‌رو و به تجدید نظر در اهداف، آرمان‌ها، فرض‌ها و روش‌های کاربردی خود ناگزیر شدند. نظام سرمایه‌داری، پس از کینز^۱، به سرمایه‌داری مختلط تحول یافت و دخالت دولت را پذیرفت. نظام سوسیالیستی در شوروی سابق فرو پاشید و در چین به ورود سرمایه‌داری و رونق بخش خصوصی، و به تعبیر دولتمردان آنجا، به وجود یک سرزمین و دو نظام رضایت داد. یکی از مسائل مورد توجه

۱. جان مینارد کینز (۱۸۸۳-۱۹۶۴): اقتصاددان معروف انگلیسی و متخصص در امور مربوط به پول است. پس از جنگ جهانی اول نماینده اصلی خزانه‌داری انگلستان در کنفرانس صلح پاریس بود، اما به سبب اعتراض به مواد غیرمتصفانه و غیر عملی قرارداد ورسای در مورد آلمان و اثرات شوم اقتصادی متعاقب آن برای جهان، استعفا کرد. نظریات خود را در این باب در کتاب نتایج اقتصادی صلح بیان کرد و این کتاب سبب شهرت جهانی او شد. کینز در آغاز در زمره اقتصاددانان‌های هواخواه روش اقتصاد آزاد بود؛ اما بعداً طرفدار این شد که دولت‌ها باید در طرح امور اقتصادی دخالت کنند، و برای آنکه کار برای همه ایجاد شود، وجوه بسیاری طبق برنامه‌های اقتصادی معین به مصرف رسانند. عقاید و نوشته‌های او تأثیر فراوانی در روش اقتصاد کشورهای غربی داشته است. کتاب معروف او نظریه عمومی دربارهٔ بکارگماری، بهر و پول (۱۹۳۶) است.

هر دو نظام، رفاه نسبی صاحبان عوامل تولید یا گروه‌های مختلف مصرف‌کننده از یک سو، و از سوی دیگر، مشارکت ایشان در پیشبرد تولید و رشد اقتصادی هر چه بیشتر است. اقتصاددانان کلاسیک رشد و توسعه را مدیون افزایش فعالیت سرمایه‌گذاری می‌دانستند. گسترش این فعالیت موجب ازدیاد حجم سرمایه‌های مادی چون ماشین، ساختمان‌ها، سدها، نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها می‌شود که خود عامل گسترش فعالیت‌های تولیدی بیشتر در آینده خواهد بود. بنابراین عامل رشد اقتصادی در این مکتب تراکم یا انباشت سرمایه است.

شرط لازم برای سرمایه‌گذاری، وجود ذخایر پس‌انداز است. آن دسته از مصرف‌کنندگان که می‌توانند پس‌انداز کنند و آن را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند، صاحبان سرمایه‌های مادی‌اند، نه کارگران. زیرا، گروه اخیر، طبق نظر کلاسیک‌ها، دستمزدی دارند که فقط کفایت حداقل معیشت ایشان را خواهد کرد. اگر وضع کارگران بهبود یابد به علت بهتر شدن وضع معیشتی و رفاهی ایشان مرگ و میر کم و جمعیت زیاد می‌شود. این افزایش که عرضه نیروی کار را بالا می‌برد، مجدداً باعث پایین آمدن میزان دستمزد می‌گردد. در وضعیت اخیر، کارگران قادر به تأمین نیازهای اساسی خود نیستند و به فقر و تنگدستی دچار می‌شوند. این پدیده تکرار می‌شود تا دستمزدی که بازار تعیین می‌کند، فقط برای تأمین حداقل معیشت کارگران کافی باشد. بنابراین، تنها، گروهی از مصرف‌کنندگان، که می‌توانند پس‌انداز و جریان سرمایه‌گذاری را تقویت کنند و موجب انباشت سرمایه در اقتصاد شوند، سرمایه‌داران‌اند.

ریکاردو^۱، هیچ مشارکتی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی برای

۱. دیوید ریکاردو (۱۷۷۲-۱۸۲۲): اقتصاددان انگلیسی و از پیشروان مکتب کلاسیک بود. او اعتقاد داشت که مزد کارگران نمی‌تواند از حداقل معیشت بالاتر رود. همچنین معتقد بود که ارزش هر کالا

زمین‌داران، قائل نیست. اجاره‌ای که بابت زمین‌های محدود کشاورزی نصیب ایشان می‌شود، به علت گران شدن قیمت غذا و محصولات کشاورزی است، نه به سبب فعالیت ایشان در احیای زمین یا افزایش بهره‌وری آن. به زعم ریکاردو عرضه زمین‌های کشاورزی و حاصلخیزی آنها ثابت است و افزایش نمی‌یابد. بنابراین، افزایش تقاضا صرفاً موجب به کارگیری زمین می‌شود، منتها، زمین‌های حاصلخیز زودتر از بقیه زمین‌ها به زیر کشت می‌روند و به تدریج که زمین‌های نامرغوب به کار گرفته می‌شوند، زمین‌های حاصلخیز نسبت به آنها درآمدی مازاد، به نام اجاره، پیدا می‌کنند. پس درآمد زمین‌داران، ناشی از کار و کوشش نیست و از این رو، ریکاردو، پیشنهاد کرد که دولت این درآمد بادآورده را با وضع مالیات بر زمین از ایشان پس بگیرد. پس، در تحلیل اقتصاددانان کلاسیک، تنها گروه فعال و مؤثر در پیشبرد اقتصاد سرمایه‌دارانند.

مارکس نظریه کلاسیک‌ها را مبنی بر ضرورت انباشت سرمایه برای رشد اقتصادی پذیرفت، لیکن ابزار و تجهیزات سرمایه را محصول دسترنج کارگران به حساب می‌آورد، و آنها را کار مترکم تلقی می‌کرد. مارکس، همانند سایر کلاسیک‌ها، ارزش محصول را معلول کار می‌دانست. بنابراین، کارگران عامل اصلی رشد محصول ملی در اقتصادند. وضع معیشتی کارگران، هنگامی از آنچه کلاسیک‌ها ترسیم کردند، بهتر می‌شود که بر سرمایه‌داران غلبه کنند و نهاد سرمایه را خود به کار گیرند، گرچه این غلبه بدون انقلاب و قهر پدید نخواهد آمد و رهایی کارگران از فرایند استثمار، بدون آن، محقق نخواهد شد. در نهایت، دولتی که نماینده طبقه کارگران است، زمام امور اقتصادی و سیاسی

→ (نه بهای آن، به وسیله مقدار کاری که صرف تولید آن می‌شود، تعیین می‌گردد. نظریه ارزش کار ریکاردو در اقتصاددان‌های افراطی تأثیر فراوانی داشت و کارل مارکس در نظریه ارزش خود از آن استفاده کرده است. معروف‌ترین کتاب ریکاردو اصول اقتصاد و مالیات (۱۸۱۷) است.

را به دست خواهد گرفت و با ملی کردن عوامل تولید ریشهٔ غضب حقوق و استثمار کارگران را قطع خواهد کرد.

ملاحظه می‌شود که مکتب سرمایه‌داری کلاسیک‌ها، که عامل رشد اقتصادی را در سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه می‌داند، از میان کل مصرف‌کنندگان، برای سرمایه‌داران نقش و اهمیت قائل است و مکتب سوسیالیسم مارکس، کارگران را سرمنشأ تولید کل و ادامهٔ آن به حساب می‌آورد. به همین علت، مکتب سرمایه‌داری مازاد اقتصاد حاصل از فعالیت‌های تولیدی را از آن سرمایه‌دار و مکتب سوسیالیسم متعلق به نیروی کار می‌داند. برخلاف این مکتب، فیزیوکرات‌ها برای زمین در فرایند تولید و توسعهٔ کشاورزی سهم شاخصی قائل هستند و مازاد اقتصادی را معلول نقش زمین به حساب می‌آورند. علی‌رغم مشارکت واقعی هر سه نهاد کار، زمین و سرمایه در تولید محصول، توزیع آن میان نهاده‌های مزبور در دو مکتب سرمایه‌داری و اشتراکی مبنای ارزشی دارد، و نه پایهٔ علمی و بی‌طرف. هنوز هم در علم اقتصاد برای توزیع محصول نظریه‌ای اثباتی داده نشده است. مدت کوتاهی نظریهٔ تولید کرانه‌ای توزیع مطرح شد، ولی به زودی مشخص شد که اگر تابع تولید همگن خطی نباشد، یعنی اگر عوامل تولید به نسبت معینی تغییر کردند، محصول هم درست به همان نسبت تغییر کند، نه بیشتر و نه کمتر، این نظریه کاربرد ندارد.

نظریهٔ توزیع در مکتب اقتصادی اسلام

هر فعالیت تولیدی یا مبادله‌ای در اقتصاد، باید صورت قانونی داشته باشد. لذا سهم و امتیازاتی که صاحبان عوامل تولید در فعالیت‌های تولیدی به دست می‌آورند، تابع حقوقی است که قانون برای آنان در نظر می‌گیرد. امام موسی صدر، در نخستین مقالات خود در مجلهٔ مکتب اسلام، نشان می‌دهد امتیازاتی

که اسلام برای بستن قرارداد و مشارکت نیروی کار منظور کرده است، بیشتر از مزایای صاحب سرمایه است. در فعالیت‌های تولیدی، نیروی کار، هم می‌تواند مزد معین درخواست کند، و هم در سود یا درآمد حاصل از فعالیت مشارکت کند. چنانچه فعالیت مورد نظر با خطر همراه باشد و نیروی کار مایل نباشد که در آن سهیم شود، می‌تواند با درخواست دستمزد معین به استخدام درآید. برعکس، اگر محصول از بازار خوبی برخوردار و احتمال سودآوری آن زیاد باشد، کارگر می‌تواند در تولید آن محصول، با صاحب سرمایه شریک شود. احکام و قراردادهای اسلام، اختیار هر دو شکل قرارداد را به نیروی کار می‌دهد. اما، صاحب سرمایه مادی، فقط می‌تواند کرایه معینی طلب کند و نمی‌تواند شریک شود. این امتیازی که نظام حقوقی اسلام به نیروی کار می‌دهد، موجب بهره‌مند شدن این عامل و یافتن مزیت هنگام بستن قراردادهای مختلف می‌شود. از آنجا که این اختیارات در کلیه فعالیت‌های اقتصادی برای نیروی کار محفوظ می‌ماند، درآمد حاصل، از تولید میان کار و سرمایه به نفع نیروی کار توزیع می‌شود، به شرطی که سایر عوامل ثابت باشد. امام موسی صدر، نشان می‌دهد حقوق و مزایایی که مکتب اسلام برای نیروی کار در نظر گرفته، به مراتب بیشتر از مکاتب سرمایه‌داری و اشتراکی است.

عوامل دیگری که بر توزیع درآمد مؤثر است، عبارت است از نوع فناوری و کمیابی عوامل تولید. اگر فنون مورد استفاده در صنایع کاربر باشد، با افزایش تولید، نیروی کار به نسبت بیشتری از سرمایه به استخدام درخواهد آمد و بالطبع، سهم آن نیز در درآمد ملی افزایش خواهد یافت. اما اگر در صنایع سرمایه‌بر باشد، جریان توزیع درآمد به نفع عامل سرمایه خواهد بود. فراوانی و کمیابی عوامل تولید، به‌ویژه منابع طبیعی، تابع اوضاع محیطی و جغرافیایی اقتصاد است.

پیشرفت فناوری در اقتصاد، از یک سو تابع فراوانی و کمیابی عوامل تولید و دیگر سو تابع بودجه‌های تحقیقاتی مربوط به آن است. معمولاً فن و تکنیک در جهتی پیش می‌رود که نهاده‌های فراوان را بتوان جانشین عوامل کمیاب کرد و از این طریق موجب صرفه‌جویی اقتصادی شد. از سوی دیگر، با بودجه‌ای که دستگاه دولت برای تحقیقات معین می‌کند، می‌تواند مسیر علم و صنعت را نیز جهت بخشد. از آنجا که تأمین امکانات برای زندگی مرفه حق همه خانوارها و وظیفه دولت در نظام اسلامی است، بر اساس نظر امام موسی صدر، دولت می‌تواند از بودجه زکات برای این مهم استفاده کند. بودجه مزبور ممکن است برای تحقیقات در زمینه کاربر کردن فناوری مورد استفاده قرار گیرد، تا بدون دخالت دولت، متقاضیان کار، همگی، به استخدام درآیند. پس از برقراری شرایط اشتغال کامل، دولت می‌تواند از بودجه زکات برای بارور کردن، بهبود سازمان‌دهی و کیفیت نیروی کار کمک گیرد.

پس مکتب اقتصادی اسلام، جریان توزیع درآمد حاصل از تولید را، میان کار و سرمایه، در مرحله اول، به کمک احکام قانونی و حقوقی خود، به نفع نیروی کار هدایت می‌کند. در مرحله بعد، اگر تناسب لازم در وضع معیشت کارگران پیش نیاید، از بودجه زکات استفاده خواهد کرد. طبق شواهدی که امام موسی از آیات و روایات در مقاله «اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی» عرضه می‌کند، نتیجه می‌گیرد که تا حد تأمین رفاه کامل برای شاغلان، از این بودجه می‌توان استفاده کرد. بودجه مزبور شامل خمس نیز می‌شود. ولی چنانچه کفاف رفع نیاز خانوارها را نکند، دولت می‌تواند از وجوهی برای تحقیقات فن‌آوری استفاده کند و زمینه اشتغال نیروی کار را در اقتصاد پدید آورد.

ملاحظه می‌شود که راه و رسم مکتب و نظام اسلامی، برای توزیع درآمد، متفاوت از نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی است. نظام حقوقی و

سیاست‌گذاری دولت اسلامی و در عین حال وضعیت طبیعی و جغرافیایی و به تعبیر دیگر امکانات تولیدی در هر اقتصاد، در تقسیم «مازاد» میان عوامل تولید مؤثر است. نظام حقوقی و سیاست‌گذاری دولت به هنگام لزوم، امتیازهای نیروی کار را برای بهره‌مند شدن از این مازاد افزایش می‌دهد. دولت سیاست توسعه فنون کاربر را تا جایی ادامه می‌دهد که بتواند مشکل بیکاری غیر اختیاری را در جامعه حل کند. از این طریق مسئله فقر نیز خود به خود رفع می‌شود، زیرا تمامی جویندگان کار اشتغال لازم را پیدا می‌کنند. نهاده‌های کمیاب نیز از مازاد اقتصادی سهم خواهند برد. متنها، سیاست تحقیقاتی دولت، موجب می‌شود که در فرایند تولید، به تدریج، عوامل فراوانی جانشین نهاده‌های کمیاب و یا حتی مستهلک‌شدنی بشوند. جانشین شدن نهاده‌های تجدیدپذیر به جای عوامل تجدیدناپذیر، که یکی از شرایط لازم توسعه اقتصادی پایدار است و به تحقیق و تفحص نیاز دارد، یکی از مصادیق فرایند جانشین کردن عوامل کمیاب است. سیاست تحقیقاتی دولت می‌تواند این فرایند را هم جهت دهد و هم تسریع کند. پس روش نظام اسلامی، برای مبارزه با فقر، مصادره اموال اغنیا و در اختیار گرفتن ابزار تولید یا گرفتن مالیات از گروه پر درآمد و پرداخت آن به فقرا نیست، بلکه از بین بردن منشأ فقر است. با افزایش اشتغال و مهارت و تخصص نیروی کار، نظام اسلامی عواملی موجب فقر را از میان می‌برد. این جهاد علیه فقر به برکت شیوه توزیع درآمد میان کار و سرمایه و توسعه فنون کاربر صورت می‌گیرد. این عوامل موجب می‌شوند که بخش عمده‌ای از مازاد خالص اقتصادی، که در فرایندهای تولید ایجاد می‌شود، به نیروی کار تعلق بگیرد. بدین گونه شیوه توزیع درآمد میان صاحبان نهاده‌های تولید در مکتب اسلام از سایر مکاتب متفاوت می‌شود. این فرایند توزیع، چنان‌که گفته شد، تحت تأثیر حقوق مالکان، نوع فناوری توسعه‌یافته در اقتصاد و کمیابی عوامل تولید است. در

مکتب اسلام دولت جانشین بخش خصوصی نمی‌شود، بلکه با نقشی که در هدایت فناوری تولید و تأمین اجتماعی و توازن درآمد میان صاحبان عوامل تولید ایفا می‌کند، این روند را جهت می‌بخشد.

شهید محمدباقر صدر بر این نقش‌ها، به‌ویژه تأمین اجتماعی و توازن درآمد، تأکید می‌ورزد و آنها را طریقه‌ای برای عادلانه کردن توزیع درآمد در مکتب اسلام معرفی می‌کند. امام موسی صدر، هنگامی که دربارهٔ اختیارات دولت برای استفاده از بودجهٔ زکات بحث می‌کند، به همین وظیفهٔ دولت اشاره دارد. شهید صدر بر جنبهٔ توازن میان درآمدها، علاوه بر تأمین حداقل معیشت، تأکید می‌ورزد و امام موسی صدر به استفاده از زکات برای تأمین رفاه همهٔ صاحبان عوامل تولید نظر دارد. هنگامی که می‌گوید: «زکات صرفاً مالیات نیست»، به همین ویژگی پُرانعطاف بودجهٔ زکات توجه دارد.

فرایند توسعهٔ اقتصادی

آنچه مکتب اسلام عامل توسعهٔ اقتصادی تلقی می‌کند و تجربهٔ مسلمانان صدر اسلام آن را گواهی می‌دهد، از نظریات مکاتب سرمایه‌داری و سوسیالیستی متفاوت است. انسان، در جهان بینی اسلام، مقام خلیفهٔ الله را دارد و تمام نعمت‌های الهی برای بهره‌مندی او خلق شده، و هدف از نبوت و تنزیل وحی برقراری قسط در زندگی دنیوی و رستگاری او در آخرت است. عامل رشد و توسعهٔ اقتصادی نیز در وجود او نهفته و ذخیرهٔ سرمایهٔ انسانی او است. در ادبیات اقتصادی امروز، مهارت و تخصصی که انسان با آموزش و کارآموزی پیدا می‌کند، سرمایهٔ انسانی خوانده می‌شود، زیرا این عامل، همانند سرمایهٔ مادی، موجب افزایش تولید و بهره‌وری است. مراد از نیروی کار، کار ساده و بدنی است که همهٔ افراد به درجات مختلف توانایی‌های جسمی و

بدنی دارند. البته کسانی که نقص عضو دارند، یا سالمند هستند، این توانایی را ندارند و بنابراین، نیروی کار نیستند. ولی سرمایه‌انسانی توانایی‌های ذهنی و مهارت‌های شغلی است که صرفاً با تحصیل و ممارست به دست می‌آید و صاحبان مشاغل و حرفه‌های گوناگون و نیز متخصصان و دانشمندان و هنرمندان دارای این سرمایه‌اند. پزشکان، مهندسان، مدیران، هنرمندان و ورزشکاران، همه، صاحبان این نهاد تولیدی‌اند. در واقع، سرمایه‌انسانی، حاصل شکوفایی استعدادهای انسانی است. از آنجا که همه استعدادهای مختلف به طور تصادفی (ترمال) در میان افراد بشر توزیع شده است، بارور کردن و از قوه به فعل رساندن آنها موجب می‌شود که همه افراد بشر اعم از مرد و زن به این عامل تولیدی مجهز شوند. در مکتب اقتصادی اسلام همین عامل منشاء رشد و توسعه اقتصادی معرفی می‌شود و افزایش انبساط آن در هر اقتصادی باعث رشد اقتصادی می‌گردد.

در قسمت قبل، تشریح شد که احکام حقوقی اسلام برای نیروی کار در مرحله توزیع درآمد امتیاز خاصی قائل است. شهید محمدباقر صدر نشان می‌دهد که همین اولویت هنگام توزیع ثروت‌های طبیعی اولیه و نیز هنگام استخدام آنها در فرایندهای مختلف تولیدی وجود دارد. سیاست تأمین اجتماعی، که به نظر شهید محمدباقر صدر یکی از وظایف دولت در نظام اسلامی است، به تقویت و بارور شدن همین عامل در اقتصاد می‌انجامد. وجوب زکات به معنی کلی آن، که خمس و انفاق را هم دربردارد، طبق برداشت امام موسی صدر، فقط مالی نیست؛ صاحبان حرفه و فن و دانش نیز باید از سرمایه‌انسانی خود زکات بپردازند یا انفاق کنند: «زکاة العلم نثره».^۱ امام موسی، در یکی از درس‌های اقتصاد اسلامی خود در مجلس اعلای

۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،

شیعیان در لبنان، روایتی از پیامبر اکرم^ص نقل می‌کنند که حضرتش از مردم می‌پرسند: آیا می‌خواهید راه بهشت را به شما نشان دهم؟ سپس می‌فرمایند: «صنعوا الاخراق.» به کسانی که مهارت شغلی ندارند، فن و حرفه بیاموزید. پس راه بهشت، راهی که طبق آن فقر و جهل و بیماری و بی‌سوادی از میان برداشته می‌شود و زمینه غضب و ظلم و استثمار از بین می‌رود (زیرا مردم به توسعه اقتصادی دست می‌یابند و رزق حلال نصیبشان می‌شود و به خیرات و مبرات توفیق پیدا می‌کنند)، روشی است که استعداد‌های بالقوه مسلمان را از طریق تعلیم و تربیت، کارآموزی، پژوهش و برنامه‌ریزی مدیریت نیروی انسانی به فعلیت می‌رساند و انباره سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. از آنجا که رشد اقتصادی نیازمند سرمایه‌گذاری است و حجم تولیدات در هر اقتصادی به برکت آن رشد می‌کند، اندوخته سرمایه انسانی، باعث افزایش ابتکار در شیوه‌های تولید و ابداع در به کارگیری عوامل تولید می‌شود. در نتیجه، کارایی فعالیت‌های تولیدی بالا می‌رود و میل به سرمایه‌گذاری در اقتصاد افزایش می‌یابد. افزایش سرمایه‌گذاری خود موجب تراکم سرمایه‌های جسمانی و انسانی جدید و بیشتر شدن حجم تولید و اشتغال و مآلاً توسعه اقتصادی می‌شود. پس راه توسعه اقتصادی شکوفا کردن این ذخیره است که در وجود همه انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده و موجب توسعه‌ای فراگیر، مردمی و عادلانه می‌شود. هر کس بیشتر برای بارور کردن استعداد‌های خود و آموزش حرفه و صنعت تلاش کند، به شایستگی‌ها و توانمندی‌های بیشتری برای کسب درآمد در فعالیت‌های مختلف اقتصادی دست می‌یابد و خود به خود نصیب بیشتری می‌برد. این روند توسعه اقتصادی، که از یک طرف با افزایش ظرفیت سرمایه‌های انسانی و به تبع آن سرمایه‌های مادی در اقتصاد، موجب افزایش تولید و درآمد کل در اقتصاد می‌شود، از سوی دیگر موجب توزیع بهینه آن میان شرکت‌کنندگان می‌شود، زیرا هر کس زحمت و تلاش

بیشتری مبذول دارد، از ارزش کلی حاصل شده در فعالیت‌های تولیدی، سهم بیشتری به دست می‌آورد. پس این روند توسعه، درآمد ملی را به گونه‌ای میان افراد و گروه‌های انسانی توزیع می‌کند که به هر کس سهمی به اندازه تلاش، کوشش و مشارکت او در تولید می‌رسد، و به عبارت دیگر، پاداش هر کس به اندازه حق او می‌شود؛ حقی که در اثر کار و تلاش و آموزش و تجربه به دست می‌آید، مصداق «اعطاءً کلّ ذی حقّ حقه» قرار می‌گیرد و یک روند اقتصادی پایدار و عادلانه در مکتب اسلام محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد که این راه توسعه اقتصادی، که هم از نظر فلسفه و هم از جنبه عمل و سیاست‌گذاری، از الگوهای مکاتب سرمایه‌داری و سوسیالیستی متفاوت است، شیوه‌ای است که مد نظر امام موسی صدر قرار دارد. با تکیه بر عامل انسانی و هدایت، بارور و تجهیز کردن همین نیرو است که پیامبر اکرم اقتصاد مسلمانان صدر اسلام را از وضع دشوار و سخت سال‌های اولیه هجرت در مدینه در آوردند و در کمتر از هشت سال آن را اقتصادی شکوفا و توسعه‌یافته کردند. تا جایی که جانشینان پیامبر اکرم همین سیاست را دنبال کردند، و توانستند فرهنگ، تمدن، و توسعه را برای کشورهای تازه مسلمان شده، به ارمغان بیاورند.

با الهام از همین راه توسعه اقتصاد اسلامی است که مشاهده می‌شود که در اولین فرصتی که رهبر شیعیان در لبنان پیدا می‌کند، به تأسیس مدرسه حرفه‌ای جیل عامل می‌پردازد. در این مدرسه رشته‌های برق، مکانیک، صنایع غذایی، تجاری، و حتی قالب‌بافی آموزش داده می‌شود و پس از چندی برای دختران مدرسه پرستاری و صنایع و هنرهای دستی ایجاد می‌کند. تأسیس همین نوع مدارس بعدها از جنوب به بیروت گسترش پیدا می‌کند و سیاستی می‌شود که حتی پس از غیبت او نیز دنبال می‌شود.

در مقاله «اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی»، پس از آنکه امام موسی صدر

نشان می‌دهد که منشأ اختلاف طبقات اقتصادی، توزیع درآمد به شکل‌های ناپذیرفتنی در اسلام است، به یک اختلاف درآمد می‌پردازد که مورد تأیید مکتب است و ناشی از تفاوت در انباره سرمایه انسانی است.

در پایان مقاله یاد شده می‌گوید:

اکنون اختلافات دیگر مردم را، از قبیل اختلاف در قوای بدنی، فکری، تفاوت در عواطف و اخلاق و استعداد صنعتی و هنری مطالعه می‌کنیم. در این مورد، نه تنها در اسلام برای برطرف کردن این اختلافات کوششی دیده نمی‌شود (برخلاف روش مارکسیسم)، بلکه از پاره‌ای کلمات بزرگان اسلام استفاده می‌شود که وجود این تفاوت‌ها لازم و رحمت است. همین تفاوت‌ها سبب می‌شود که وظایف گوناگون اجتماع را هر کس بر حسب استعداد خود به عهده بگیرد و هیچ وظیفه‌ای زمین نماند. چه هر کس بر حسب ذوق و تخصص و تفاوت نیروی فکری و عملی خود کاری را متعهد می‌شود و جامعه از تخصص و تفاوت نیروی فکری و هنری و صنعتی او بهره‌مند می‌شود. و برای اینکه این تفاوت‌ها کدورتی ایجاد نکند و سبب تفاخری نشود و صمیمیت یک جامعه، که به اعضای گوناگون نیازمند است، به هم نخورد، برای وظایف افراد خانواده نسبت به یکدیگر و نسبت به همسایه و دوستان و استاد دستورات اخلاقی بسیار وسیعی داده شده است و برای تعاون و همکاری و جلوگیری از هر نوع سوء تفاهم تأکیدات بلینی شده که خود در خور بحثی مشروح و دامنه‌دار است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که سرمایه انسانی زیربنای تمام نظریات اقتصادی برداشت شده از مکتب و نظام اسلامی است. امام موسی صدر نقش کار را در توزیع درآمد و امتیازات آن را در مقابل سرمایه به وضوح نشان می‌دهد. شهید

محمّدباقر صدر، علاوه بر توزیع درآمد، اهمیت آن را هنگام توزیع اولیه ثروت و نیز در فرایند تولید نشان می‌دهد. پیداست نیروی کاری که می‌تواند زمین موات را احیا و یا معدنی را کشف و بهره‌برداری کند یا در یک سفره زیرزمینی با حفر چاه آب حیازت کند، نیروی کار ساده‌ای نیست، بلکه صاحب کاری است، دارای علم و تجربه و مهارت و مدیریت. یعنی آنچه سبب احیای در انفال و حیازت در مشترکات می‌شود، سرمایه انسانی اشخاص است، که در نیروی کارشان اعم از کار، عمل یا فکر متبلور می‌شود. پس عامل اصلی و مهم در نظام اسلام، هنگام توزیع اولیه ثروت، تخصیص عوامل تولید و توزیع مجدد درآمد سرمایه انسانی است. گویی که منشأ رشد و توسعه اقتصاد نیز در نظر امام صدر و شهید صدر همین عامل است. چه با افزایش انبساط آن در اقتصاد، ابداعات و اختراعات زیاد می‌شود و سرمایه‌گذاری‌های مادی توجیه اقتصادی پیدا می‌کند و صاحبان سرمایه انسانی آنها را اجرا می‌کنند. حقوقی که مکتب اسلام برای دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی وضع کرده و نظام ارزشی و اخلاقی‌ای که برای هدایت ایشان تدوین کرده است، مطابق با آنچه امام موسی صدر و شهید صدر برداشت کرده‌اند، به توسعه و تقویت انبساط سرمایه انسانی مسلمانان می‌انجامد. عدالتی که مورد نظر مکتب اقتصادی اسلام است و شهید صدر در اقتصاد ما و شهید مطهری در آثار خود آن را رسیدن حق به حقدار در فعالیت‌های اقتصادی معرفی کرده‌اند، سرمایه انسانی را منبع احقاق حق در عرصه فعالیت‌های اقتصادی می‌شمارد.

مشاهده می‌شود که نظریات اقتصادی تولید و توزیع و توسعه، نه فقط از جنبه مکتبی و ارزشی با نظریات مشابه در مکاتب سرمایه‌داری و اشتراکی متفاوت‌اند، بلکه، ابزارها و نهادهایی هم که نظام اسلامی برای تحقق آنها به کار می‌برد، جامع‌تر و کامل‌تر از کاربرد تنها یک نهاد بازار یا بیت‌المال است،

که مکاتب یاد شده بدان تکیه می‌کنند. در واقع تفاوت نظریات اقتصادی در مکتب اقتصادی اسلام با مکاتب سرمایه‌داری و اشتراکی، موضوعی است که امام موسی صدر تلاش کرده است تا با قلم و قدم خود از ایران تا لبنان به شیعیان مولای خود بنمایاند.

سید کاظم صدر

منابع

۱. تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، ویراست دوم، نشر نی، تهران ۱۳۷۲.
۲. صدر، سید موسی، اقتصاد در مکتب اسلام، مقدمه و باورقی‌ها از علی حجتی کرمانی، جهان آرا، تهران، بی‌تا.
۳. صدر، سید موسی، اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی، نشر محمد، قم، بی‌تا.
۴. الصدر، سید موسی، المذهب الاقتصادي فی الاسلام، ترجمه منیر مسعودی، مرکز الامام الصدر، الأبحاث و الدراسات، بیروت ۱۹۹۸ م.
۵. الصدر، الشهید محمدباقر، اقتصادنا: الطبعة الثالثة، دار الفکر، بیروت، ۱۹۶۹ م.
۶. صدر، سید کاظم، اقتصاد صدر اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۷۵.
۷. «ن تجربه مسلمانان صدر اسلام در دستیابی به توسعه اقتصادی»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۷۵.
۸. مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۵۳.
۹. مطهری، مرتضی، زیست گفتار، انتشارات صدرا، قم ۱۳۵۸.